

اشاره:

بر اساس منابع متعددی که در دسترس داریم، منشأ مشروعیت حکومت اسلامی، الهی است. چون خداوند مالک اصلی است و او هر آنگونه که بخواهد می‌تواند در ملک خود تصرف کند. لذا اگر ملتزم به توحید در تمام مراتب آن باشیم، لازم است قوانینی را بپذیریم که ناشی از قوانین الهی باشد. همچنین افرادی که منصبی را در حکومت اسلامی به دست می‌آورند، باید بر اساس چارچوبی باشند که خداوند تعیین کرده است. یکی از این موارد، شکل‌گیری حکومت است که باید توحیدی باشد. اما در این تفکر توحیدی، منشأ مشروعیت این حکومت به اذن خداوند متعال است، مردم هم نقش اساسی دارند. این نقش را دین به مردم داده است.

امر به معروف و نهی از منکر خاستگاه مردم‌سالاری دینی

جایگاه مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه علامه مصباح یزدی

قاسم شبان‌نیا

مشروعیت مردم در حکومت اسلامی

بر اینکه در نظر ایشان جایگاهی برای مردم در حکومت وجود ندارد، انتقاد وارد می‌کنند و با القاء می‌کنند میان تفکرات امامین انقلاب و علامه مصباح(ره) تفاوت اساسی وجود دارد، می‌تواند چند دلیل داشته باشد:

۱. عدم درک صحیح و نداشتن نگاه کامل و جامع
۲. نگاه گزینشی و بخشی

عدم درک صحیح از تفکر امامین انقلاب و حتی تفکر انقلابی و یا نگاه گزینشی و عدم بررسی تمام مواضع می‌تواند منشأ این حرف باشد. به عنوان مثال برخی سخن امام راحل را اینگونه مطرح می‌کنند که ایشان فرموده‌اند: میزان رأی ملت است؛ بعد از این جمله به نفع فرد یا جریان خاصی استفاده می‌کنند درحالی‌که برای فهم کامل و جامع حرف امام، باید بررسی شود که این جمله امام در مقابل چه کسانی با چه تفکراتی گفته شده است؟ یا عده‌ای می‌خواهند از این جمله حضرت

بنابر نظر علامه مصباح یزدی(ره) مشروعیت داشتن جایگاه مردم در حکومت اسلامی از همین نقطه یعنی توحید در تمام مراتب الهی بدست می‌آید. یعنی با توجه به مراتب کامل اقتضائات توحید محوری، اگر کسی پایبند به آن مراتب توحید باشد، به دیدگاه علامه مصباح(ره) می‌رسد. همان‌گونه که تفکر امامین انقلاب اسلامی نیز همین است. در بحث مشروعیت حکومت و جایگاه مردم در حکومت، تفاوتی بین اندیشه‌های امامین انقلاب و علامه مصباح(ره) وجود ندارد چراکه همه این تفکرات و اساساً تفکر انقلاب اسلامی از تفکر توحیدی نشأت گرفته و در این تفکر منشأ مشروعیت را خدا می‌دانیم. یعنی حق حکومت برای خداست اما نقشی که به مردم داده، نسبت به نظام‌های سیاسی دیگر بی‌بدیل است. کسانی که بر نظرات علامه مصباح(ره) مبنی



مردم‌سالاری اشاره به قالب و شکل دارد اما محتوای آن اسلامی است چون بنای حکومت اسلامی یک حکومت مبتنی بر تفکر توحیدی است. در چارچوب حکومت اسلامی، ضوابطی تعیین شده که مردم در همین چارچوب تعریف‌شده، حق اظهار نظر دارند. علامه مصباح می‌فرماید در نظام سیاسی مصداقی از مشارکت است که در حکومت‌های دیگر نیست. یکی از ابعاد مشارکت مردم، نظارت همگانی است. با این تفاوت که اسلام، قالب آن را مشخص کرده یعنی به مردم حق داده که بر حکومت و دیگران نظارت داشته باشند.

نسبت میان مردم‌سالاری دینی و امر به معروف و نهی از منکر

اساساً نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. نهی از منکر گاه متوجه اشخاص است و گاه متوجه حکومت است. مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر حکومت را نقد کنید ولو آن شخص، بالاترین مقام را داشته باشد. علامه مصباح در کتاب «بزرگترین فریضه» می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، یک تکلیف بر مسلمانان است یعنی واجب است تخلفات را تذکر دهید. نکته دیگر اینکه حق هم ایجاد می‌کند و مسئولان باید زمینه این مشارکت و نظارت را فراهم آورند.

بنابراین میان نگاه علامه مصباح یزدی و امامین انقلاب هیچ دوگانگی وجود ندارد.

اوایل پیروزی انقلاب عده‌ای درباره نوع نظام، نظام «جمهوری دموکراتیک اسلامی» را پیشنهاد می‌دادند، چراکه در واژه «جمهوری»، هیچ مبنایی نخواستند و آنها اصرار داشتند به «دموکراتیک» ضمیمه شود. چون دموکراسی غربی، روش و ارزش را در هم تنیده می‌داند و مبنای مختص به خود را دارد همچون اومانیسیم، رسیونالیسم، ساینسیسم، تلورانس و... که در حکومت‌های لیبرال دیده می‌شود، در دموکراسی نهفته است اما در جمهوریت این چنین نیست. بنابراین جمهوریت با اسلامیت قابل جمع است اما دموکراسی با اسلامیت قابل جمع نیست. لذا حضرت امام در مقابل پیشنهاد این افراد محکم ایستادند و فرمودند: جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد.

اگر غیر از این بود، زمینه اسلام التقاطی و اسلام لیبرال در انقلاب فراهم می‌شد. بنابراین جمهوریت معادل مردم‌سالاری است با همان تبیین که مقام معظم رهبری فرمودند و نظر علامه مصباح نیز، همین است.

امام استفاده کنند و علامه مصباح را نقد کنند، در حالیکه اگر نگاه منظومه‌وار به تفکر امام خمینی داشته باشیم و عبارات ایشان را جامع ببینیم، در می‌یابیم که دیدگاه علامه مصباح دقیقاً منطبق با این نگاه است. چون مبنای تفکر انقلاب اسلامی، توحیدمحوری است چراکه زیربنای تمامی حرکات باید الهی باشد.

ما می‌توانیم برای نقل دیدگاه آیت‌الله مصباح، به بخشی از جملات ایشان استناد کنیم اما باید همه ابعاد را مدنظر داشته و توضیح درستی ارائه دهیم. ایشان در آثار مختلف‌شان ابعادی از مشارکت مردم را در حکومت اسلامی بررسی کرده‌اند. دلیل استفاده نادرست از این گفتارها گاهی به دلیل ناآشنایی با منظومه فکری ایشان است.

ایشان در کتاب «بزرگ‌ترین فریضه» یکی از جلوه‌های مشارکت مردم در حکومت اسلامی را در قالب امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی را مستند به جملات مقام معظم رهبری مطرح کرده‌اند.

در کتاب «زلزال نگاه» مباحثی را ناظر به بصیرت و جایگاه مردم مطرح می‌کنند. همچنین در کتاب «حقوق و سیاست در قرآن» یا «نظریه سیاسی اسلام» و «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه» و نیز آخرین اثر ایشان «حکیمانه‌ترین حکومت» که وقتی مجموع این آثار را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم هیچ تفاوتی میان نظرات ایشان با امامین انقلاب و اصول قانون اساسی وجود ندارد.

تناقضی نمایی اسلامیت و جمهوریت!

برای فهم بهتر جملات علامه مصباح، می‌توان به فرمایشات مقام معظم رهبری مراجعه نمود. اولین بار ایشان در دوران دولت اصلاحات، مفهوم مردم‌سالاری دینی را مطرح کردند. ایشان فرمودند مردم‌سالاری یعنی مردم، خود می‌توانند حتی نوع نظامشان را تعیین کنند. علامه مصباح نیز همین حرف را قبول دارند. حکومت اسلامی در زمان‌های مختلف به اقتضای شرایط زمان و مکان، می‌تواند قالب‌های مختلفی به خود بگیرد. مانند حکومت مبتنی بر خلافت و یا در دوره‌ای حکومت «مشروطه مشروعه» و زمانی به صورت حکومت «جمهوری اسلامی» که همه اینها متناسب و منطبق بر شرایط زمان و مکان است.

پس نکته اساسی این است که نوع نظام، متناسب با شرایط زمان و مکان است و می‌تواند ناشی از رأی مردم باشد. مقام معظم رهبری در تبیین مردم‌سالاری دینی می‌فرماید مردم سالارند از این جهت که تمام مقامات جمهوری اسلامی به طور مستقیم و غیرمستقیم با رأی مردم بر سر کار می‌آیند. یا اینکه حضرت امام فرموده‌اند: مردم ولی نعمت ما هستند، این حرف، جلوه دیگری از مردم‌سالاری دینی است. همه این موارد در اندیشه علامه مصباح نیز قابل مشاهده است.



مقام معظم رهبری می‌فرماید: در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر حکومت را نقد کنید ولو آن شخص، بالاترین مقام را داشته باشد.